

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۱۶ جون ۲۰۲۳

فریده نوری

یاد و بود از چهل و چهارمین سالروز شهادت

ستاره موسیقی افغانستان

احمد ظاهر



### آفتابی در جهان تابید و رفت

چهل و چهار سال قبل دار و دسته خون آشام حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم، که افغانستان را به کشتارگاه مبدل نمودند و از قتل مردم بی گناه، از تعلیم یافتگان گرفته تا طبقه کارگر و دهقان دریغ ننموده و همه را راهی کشتارگاه ها نمودند. احمد ظاهر هنرمند همه اقشار آن مرز و بوم نیز از این قتل و قتل ها در امان نماند، و وی که با آواز دلنواز خود آرام بخش روح و روان بود، را نیز راهی دیدار ابدیت نمودند. روحش شاد و یادش گرامی باد.

جهت یاد و بود از این روز، می خواهم نبشته عزیزی از دست رفته دیگر را، به اجازه نویسنده دانشمند، برادر محترم و با احساس حمید جان انوری، برای بار دیگر بنویسم. روح مرجان شاد و یادش گرامی باد.



مرجان در آرامگاه احمد ظاهر در کابل

مرجان از طفولیت تا آخرین روزی که خانه را به مقصد شفاخانه ترک گفت، به آهنگ های احمد ظاهر گوش داد.

وی آهنگ های همه آواز خوان های کشورش را می شنید و به موسیقی و آهنگ های دلنواز وطنش به هر دو زبان ملی کشورش علاقمند بود، علاقه بخصوص مرجان به زنده یاد احمد ظاهر و روان شاد نینواز به اندازه بود، که با گوش فرا دادن به آواز آنها در عین زمان اشعار آهنگ های شان را یادداشت می نمود. و همین علاقه وی بود که در مورد قتل احمد ظاهر تجسس نمود و سطری چند از خود به جا گذاشته است. روح همه شان شاد و یاد شان گرامی باد.

**مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جست نام چو جاوید شد مردنش آسان کجاست**

\*\*\*\*\*



# حکایت مرگ احمد ظاهر

## به قلم مرجان کمال

احمد ظاهر تجسم یک چهره ایست، که توسط عمال رژیم بر سر اقتدار کودتای هفتم ثور مورد هدف قرار گرفت.

دلایل زیاد برای مورد هدف قرار دادن این چهره، که یک الگوی نسل جوان آن زمان بود، وجود داشت.

احمد ظاهر پسر یکی از شخصیت های بزرگ رژیم شاهی و یکی از زمین داران با نفوذ ولایت لغمان بود، اما و مخصوصاً یک آوازخوان محبوب نسل جوان و در ساحه موسیقی افغانی دارای یک فهرست وسیع و بسیار غنی آهنگ ها بود، چه آهنگ های کلاسیک سنتی و چه در غزل و چه در موسیقی فولکلوریک، با آهنگ های دلنوازش در دل ها اثر می گذاشت و شور و هلهه بر پا می کرد، به عباره دیگر ایڈل (idole) ، یا الگوی جوانان بود و است.

شنوندگان احمد ظاهر را طبقه جوان تعلیم یافته تشکیل می داد، که نه اخوانی ها را قبول داشتند و نه احزاب کمونیستی را که از یک طرف باعث اغتشاشات در صحن پوهنتون می گردیدند و از طرف دیگر به دین اعتقاد نداشته آن را رد می نمودند.

طبقه که از یک قسمت بزرگ تعلیم یافتگان تشکیل یافته بودند، فقط به عنوان ناظرین در هنگام مظاهرات و زد و خورد های احزاب مختلف ( اخوانی ها و احزاب کمونیستی) تا فردای کودتا سیل بین باقی ماندند.

باید تذکر داد که یک تعداد زیاد روشنفکران و نخبگان در امواج اول به دست حزب دیموکراتیک خلق و پرچم به قتل رسیدند، و تعدادی هم موفق به فرار شدند و آن هایی که فرار کرده نتوانستند، در مرحله دوم امواج با گرفتن قدرت توسط ببرک کارمل نیست و نابود گردیدند.

احمد ظاهر و استادش در احوال و اوضاعی که روشن نیست به قتل رسیدند، استاد احمد ظاهر، که به نینواز شهرت داشت، یک نسل قبل از احمد ظاهر بود.

نام اصلی وی فضل احمد زکریا و نام هنری اش نینواز بود، از جمله نخبگان رژیم قبلی بود و پدرش فیض محمد خان زکریا از جمله وزرای اسبق بوده و مخصوصاً ادیب و نویسنده و مؤلف یک کتاب در مورد صوفیزم (Sufism) بودند.

این ها از جمله روشنفکران داخل یک حلقه مرفه و دارای امتیازات کابل آن زمان بودند.

روایات متنوع و مختلف در باره حادثه مرگ احمد ظاهر در بین افغان های داخل کشور وجود دارد و هم بین آن عده هموطنان ما که در ممالک مختلف اروپایی و امریکا زندگی دارند و نظر به اوضاع خلق شده توسط حزب دیموکراتیک خلق به سرکردگی خلق و پرچم ، مجبور به ترک وطن گریزند، قبل از اینکه مانند تعداد زیاد نخبگان، روشنفکران و طبقه ممتاز و تعلیم یافته کشور با انواع مختلف از بین برده شوند، ترک میهن نمودند، نظرات مشابه وجود دارد.

احمد ظاهر از جمله یکی از آن نخبگان می باشد که توسط رژیم آن وقت به قتل رسید و حکایت قتل وی نزد اکثریت مردم افغانستان قبول شده و ماندگار است:

روایت اول، روایتی است که از رویداد توسط رژیم بر سر اقتدار داده شد:

این گزارش مرگ آواز خوان محبوب دل ها را با نشر یک فلم که در آن موتر احمد ظاهر نمایان می گردد، بدون هیچگونه خراشیدگی، و در داخل موتر جسد احمد ظاهر دیده می شد، در حالی که دیگر مسافران در مورد شرایط، علل و موجبات تصادم که به اصطلاح سبب مرگ احمد ظاهر در نواحی سالنگ گردیده بود، توضیحات می دادند.

روایت دومی از این حکایت این است که به دستور حفیظ الله امین و ترون که دستیار نزدیک وی بود، این قتل طرح ریزی گردیده بود.

و همچنان در سال های قبل از کودتا یک دختر از اعضای فامیل ترون که گفته می شد با احمد ظاهر ارتباط داشته، و آن دختر به قتل رسید، زیرا آن دختر با والی آن وقت کابل نیز رابطه داشته، و این اخیرالذکر با حمل گرفتن دختر مذکور دچار محسمه و سراسیمگی گردیده، دختر را به قتل می رساند و واقعه را به احمد ظاهر نسبت می دهد.

بالاخره این نظریه با قاطعیت، به قبول نمودن حقیقت واقعه می افزاید:

حفیظ الله امین دختر خود را عروسی می کند و باید احمد ظاهر در عروسی وی حاضر و آواز خوانی نماید، و تمام حوادث از همین جا سرچشمه می گیرد.

در مورد خصوصیت و ماهیت سیاسی این دو قتل، احمد ظاهر و نینواز:

در سیاسی بودن خصوصیت و ماهیت این دو قتل هیچ نوع شک وجود ندارد، زیرا در کست های مجلسی این دو آواز خوان محبوب مردم، که در مجلس های شخصی ثبت گردیده است، به صورت واضح شاهد تحقیر نمودن رژیم هستیم و نیز آشکار ساختن خصومت و دشمنی و تضاد این دو هنرمند و آوازخوان با ایدیولوژی کمونیستی.

در فضای خشونت و سرکوبی سیاسی که در سال های ۱۹۸۰ حکمفرما بود، لازم نبود زیادتیر جست و جو شود که مبادا در لست شخصیت ها برای از بین بردن قرار بگیری.  
حکایت از بین بردن این دو هنرمند محبوب جامعه، نشان دهنده خشونت هائی است که از آن زمان شروع و تا امروز ادامه دارد.

تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن  
بود لبریز از عشقت وجودم، میهن ای میهن  
تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی  
فدای نام تو، بود و نبودم، میهن ای میهن

\*\*\*\*\*

مرگ من روزی فرا خواهد رسید	در بهاری روشن از امواج نور
خاک میخواند مرا هر دم به خویش	میرسند از ره که در خاک نهند
آه شاید عاشقانم نیمه شب	گل به روی گور غمناکم نهند
بعد ها نام مرا باران و باد	نرم می شوید از رخسار سنگ
گور من گمنام می ماند به راه	فارغ از افسانه های نام و ننگ



یاد هر دو شهید با استعداد و با احساس و وطن پرست گرامی باد.